

لمحات

[281] جان فدا کردند و دین را داشتند * در جهان تخم حمیت کاشتند کربلا، ای شهر
انصار خدا * بارگاه همت و صبر و وفا پرچم دین از تو اندر اهتزاز * عاشقان را سوی تو چشم
نیاز کربلا، ای وادی لب تشنگان ! * در ره یزدان بخون آغشتگان همچو عباس تو را خوان صفا *
کس ندیده مرد میدان وفا کربلا، ای عرش مجد و اعتلا ! * مشهد قربانی راه خدا شاه مظلومان،
حسین تشنه کام * رهبر خوبان، امام ابن الامام دید چون دین از اثر افتاده است * وحی قرآن
در خطر افتاده است ظالمان، حاکم بهر شهر و دیار * روز مردم از ستم چون شام تار کرد بهر
حفظ دین حق قیام * در زمین کربلا برزد خیام در رهش از اصغر و اکبر گذشت * از برادرهای
نام آور گذشت جان نثاری کرد و دین را زنده ساخت * رسم مردی و شرف پاینده سخات ظلم و استضعاف
را محکوم کرد * روز ظالم را شب مظلوم کرد حرره اقل من أناخ مطیته بأبواب محبتی موله
الحسین علیه وعلی أصحابه الکرام أفضل التحية والسلام. لطف الله الصافی الغلپایگانی 24 -

صفر الخیر - 1392